



▲ هر ساله بیش از ۲۰ میلیون هکتار از جنگل‌های حاره‌ای قطع می‌شوند.

گزارش لاهه؛ پیش زمینه توسعه پایدار

تهیه شده: ژان پرانک و محبوب الحق
ترجمه: دکتر مصطفی مهاجرانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اشاره

کمیته‌ای فرابخشی با حضور نمایندگان دستگاه‌های مختلف اجرایی کشور است و با زوری سیاستگذاری شورای عالی حفاظت محیط زیست به شمار می‌آید. این نهاد همچنین، دارای کمیته‌های فرعی متعدد است که موضوع توسعه پایدار را در بخش‌های مختلف کشور بررسی و دنبال می‌کنند.

از سوی دیگر، ملاحظه کردیم که یکی از مقالات چاپ شده در شماره ۲۸ مجله محیط‌زیست دانشگاه تهران، گزارش لاهه به عنوان پیش زمینه تفکر توسعه پایدار است که توسط دکتر مهاجرانی به فارسی برگردانده شده و در ابتدای آن چنین آمده است: «پس از کنفرانس سران در ریو (UNCED) که توسعه پایدار و

کمیته ملی توسعه پایدار تأکید کرد. معاون رئیس جمهوری همچنین تدوین استراتژی و تعیین شاخص‌های ملی توسعه پایدار در کشور و بومی‌کردن دستور کار ۲۱ را از برنامه‌های اصلی این کمیته در سال ۱۳۸۱ خواند و بر ضرورت هماهنگی و تلاش همه جانبه برای اجلاس سران توسعه پایدار در ژوهانسبورگ که اقدامات آماده‌سازی و تدارکاتی به منظور حضور فعال در آن در حال انجام است، تأکید کرد.

در این جلسه که هشتاد و سومین جلسه کمیته ملی توسعه پایدار محسوب می‌شد، بر لزوم پرداختن به بحث اشتغال و توسعه پایدار و اولویت‌های ملی و مشکلات زیست محیطی کشور نیز تأکید شد. شایان ذکر است که کمیته ملی توسعه پایدار،

در اواخر اردیبهشت ماه ۱۳۸۱ نخستین جلسه کمیته ملی توسعه پایدار در سال جدید، با موضوع بررسی عملکرد سال گذشته و آرایه برنامه سال ۱۳۸۱ با حضور نمایندگان دستگاه‌های اجرایی و به ریاست دکتر معصومه ابتکار، معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست تشکیل شد.

دکتر ابتکار در این جلسه به نقش مهم این کمیته ملی در حوزه تصمیم‌سازی و سیاستگذاری برای توسعه پایدار در کشور اشاره کرد و بر لزوم نهادینه شدن نگرش توسعه پایدار در بخش‌های صنعتی و اقتصادی و ضرورت هماهنگی و همکاری بخش‌های گوناگون برای تحقق اهداف

در خور را برای کشورهای جهان پیشنهاد نمود، متأسفانه ماهیت و مفهوم توسعه پایدار دستخوش تناقضات، تنگ نظری‌ها و دسته‌بندی‌ها شده و از هدف اصلی خود به دور مانده است.»

اینک برای جلب توجه خوانندگان به پیش زمینه‌های تفکر توسعه پایدار و تأکید بر این موضوع حیاتی، نسبت به درج گزارش لاهه - با کمی ویرایش نوشتاری - اقدام می‌کنیم.

بانک اقتصاد

سرآغاز

در تمام جهان، آگاهی فزاینده‌ای پدیدار شده که توسعه باید دربرگیرنده نیازهای نسل حاضر بدون استفاده از توان نسل‌های آینده باشد، زیرا این نسل‌ها خود موظف به تأمین احتیاجات خویش می‌باشند.

اما، در ماورای این آگاهی مبهم که بیشتر زائیده ترس تا امید است، درک کمی در مورد مفهوم توسعه پایدار یا برنامه عملی برای رسیدن به آن وجود دارد. عده‌ای فراتر رفته و پیشنهاد می‌کنند که تمام رشد اقتصادی حداقل در کشورهای صنعتی باید متوقف شود یا به حداقل برسد، تا منابع طبیعی برای آینده حفظ شود. عده‌ای دیگر با تکبر و نخوت خاصی مخالف هر نوع محدودیت استفاده از منابع طبیعی برای تأمین رشد مداوم می‌باشند. عده‌ای هم - خوشبختانه - اعتقاد دارند که با بکارگیری تکنولوژی، بر هر نوع کمیابی منابع می‌توان پیروز شد. بعضی دیگر پیش‌بینی می‌کنند که تضاد عمده میان علایق شمال و جنوب در زمینه جانش حفظ مشترکات جهانی بروز خواهد نمود.

در مقابل تفاوت‌هایی که در اندیشه‌های بیان شده وجود دارد، در حدود ۴۰ نفر از متفکران برجسته با حرفه‌ها و سوابق تجربی مختلف، در تاریخ ۲۵ تا ۲۷ نوامبر ۱۹۹۱ گرد هم آمدند تا با بحث درباره مفهوم توسعه پایدار و فرصت استثنایی که اجلاس زمین برای آنها بوجود خواهد آورد، به تدوین برنامه اجرایی برای پایداری زندگی انسان در سیاره‌ای که در حال کوچک شدن است، بپردازند. این کار با ابتکار و کوشش موریس استرانگ، دبیر کل کنفرانس محیط‌زیست و توسعه ملل متحد و ابتکار وزارت همکاری‌های توسعه‌ای کشور هلند و برنامه عمران ملل متحد تحقق یافت. هر یک از شرکت‌کنندگان، بنا به شایستگی شخصی - نه به خاطر مقاماتی که داشتند -

در این سمپوزیم شرکت کردند.

متخصصان، گزارش اولیه‌ای را که به وسیله ایگناسی ساجس^(۱) تهیه شده و ارایه نظریات آنها را تسهیل می‌نمود، مورد ملاحظه قرار دادند. آنها خالصانه و کارشناسانه تمام موضوع‌های مربوط به توسعه پایدار و عدم توافق خود را با آن مورد بحث قرار دادند، در حالیکه بی‌وسه به دنبال یافتن آگاهی‌های سازنده بودند. هر یک از متخصصان، دارای نظریات مربوط به خود در مورد اجلاس زمین بودند. این نظریات، گستره جالبی از تأکیدات نسبی بود که آنها را شخصاً در مورد برنامه‌های مختلف اجرایی قرار می‌دادند، ولی پیوندهای مشترکی را هم که در تمام بحث‌ها موجود بود، مطرح می‌کردند. ما به عنوان مسوولان سمپوزیم لاهه، تمام نکات مشترک را به مسوولیت خودمان خلاصه کرده‌ایم که در گزارش حاضر آمده است. گزارش حاضر نشان دهنده درک ما از احساس عمومی حاکم بر سمپوزیم لاهه بوده و سندی است که هر یک از نظریات را بحث یا تأیید کرده است.

سمپوزیم لاهه، نتیجه اندیشه افراد استثنایی است که در دو دهه گذشته پرچمدار نهضتی شده‌اند که به دنبال سالم‌سازی محیط‌زیست سیاره زمین است. جای خوشبختی است که کوشش بیش از حد موریس استرانگ - تصورات و دل‌سوزی‌های ایشان - ما را به طرف توسعه پایدار از استکهلم ۱۹۷۲ تا ریو ۱۹۹۲ رهبری کرد. قبل از کنفرانس استکهلم، موریس استرانگ کوشش هوشمندانه‌ای را برای تعریف چالش محیط‌زیست در دورنمای توسعه بکار برد و گزارش آن گروه (بیش‌نویس آن به وسیله گامانی کریا و محبوب‌الحق تهیه شد و به نام گزارش فونیکس مشهور شد) به صورت سند اصلی بود و تأثیر مهمی بر روی تفکر جهانی داشت و این موضوع‌ها را مورد تمرین قرار می‌داد. ما امیدواریم که گزارش لاهه کمک مختصری باشد به وقایعی که منجر به اجلاس زمین و وقایع پس از آن می‌شود.

اگر هدف توسعه، گسترش حق انتخاب مردم باشد، باید نه تنها نسل حاضر، بلکه نسل‌های آینده هم دارای چنین حقی باشند. به عبارت دیگر، توسعه برای آنها هم باید پایدار باشد.

مفهوم توسعه پایدار

توسعه پایدار، به سادگی مفهوم حفاظت از محیط‌زیست را در بر نمی‌گیرد. در مقابل، توسعه پایدار مفهوم جدیدی از رشد اقتصادی را در برمی‌گیرد که موجب بهزیستی و فرصت‌هایی برای تمام مردم جهان می‌شود و عادلانه نیست که تعداد معدودی منابع طبیعی جهان و ظرفیت‌های موجود را برای

منافع شخصی خود از بین ببرند.

توسعه پایدار، فرآیندی است که در آن سیاست‌های اقتصادی، مالی، تجاری، انرژی، کشاورزی، صنعت و سایر سیاست‌ها به نحوی طراحی می‌شوند که موجب توسعه‌ای است که از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی پایدار می‌باشد و مفهوم آن، انجام سرمایه‌گذاری به قدر کافی در زمینه آموزش، بهداشت، جمعیت و انرژی است، به طوریکه بدهی اجتماعی برای نسل‌های آینده بوجود نیاید.

منابع طبیعی باید به نحوی بکار گرفته شوند که بدهی اکولوژیکی از طریق استفاده بیش از حد از منابع و ظرفیت‌ها و بهره‌وری زمین رخ ندهد. پرداخت تمام بدهی‌های عقب افتاده - اعم از بدهی‌های اقتصادی، اجتماعی یا اکولوژیکی - در گرو قابلیت پایداری است. توسعه پایدار به مدل‌هایی توجه دارد که مربوط به مواد تجدید شونده بوده و به تنوع فرهنگی احترام می‌گذارد. چنین مدل‌هایی، محدودیت محیط‌زیست را مورد شناسایی قرار می‌دهد. این مدل‌ها زیست بوم را به عنوان یک کالای مجانی در نظر نمی‌گیرد تا آزادانه مورد چپاول هر ملت یا هر فردی قرار گیرد. برای این فضا قیمت تعیین می‌شود تا منعکس‌کننده کمیابی نسبی امروز و فردای آن باشد. رفتار این مدل‌های توسعه زیست بوم مانند سایر دارایی‌های کمیاب بوده و توجه به سیاست‌هایی دارد که اداره دارایی‌ها در آن از حساسیت لازم برخوردار است.

توسعه پایدار یک مفهوم جامع داشته و به تمام جنبه‌های زندگی انسان مربوط می‌شود. اجرای مدل‌های توسعه پایدار نیاز به تغییرات اساسی در سیاست‌های ملی و بین‌المللی دارد.

موازنه جدید باید در تمام سطوح ملی بوجود آید تا بر خوردی بین کارایی بازارهای رقابتی، چهارچوب‌های قانونی و مقرراتی، که فقط دولت می‌تواند آن را برقرار نماید تا امنیت اجتماعی برای افرادی که دسترسی برابر به بازار را ندارند، فراهم شود. پایداری متقاضی موازنه دقیق بین نیازهای اجباری امروز و نیازهای فردا، بین انگیزه‌های خصوصی و اقدامات عمومی، بین حرص و ترحم اجتماعی افراد و همدردی اجتماعی می‌باشد. مدل‌های پایداری نیز نیاز به تغییر اساسی ساختار، اولویت‌های موجود بودجه هزینه‌های نظامی، عدم کارایی شرکت‌های دولتی در مورد سرمایه‌گذاری هر چه انسانی‌تر تکنولوژی پاک زیست محیطی و به طریق اولی تجهیز منابع اضافی دارد.

در سطح جهانی، مدل‌های توسعه پایدار نیاز به خلق اخلاق جدید جهانی دارند که تنها درک روشنی از جهان نمی‌تواند برای افراد امن باشد، بدون آنکه

بخواهند یا هم همکاری نمایند. توجه به بقا برای همه باید به طرف سیاست‌هایی هدایت شود که نظام جهانی عادلانه براساس اصلاحات اساسی را به وجود می‌آورد. چنین نظام جهانی، نمی‌تواند براساس شرایط و وضع موجود، یعنی نظام اقتصاد بین‌المللی که مانع از آن است که پانصد میلیارد دلار فرصت‌های اقتصادی سالانه بر روی ملت‌های فقیر بسته بماند، ادامه یابد، زیرا ملت‌های فقیر با محدودیت یا فرصت‌های نامساوی در بازارهای جهانی برای تجارت، نیروی انسانی و سرمایه مواجه هستند و این جریان سبب می‌شود که جریان گردش سرمایه به صورتی اتفاق افتد که سالانه ۵۰ میلیارد دلار از کشورهای فقیر به کشورهای غنی انتقال یابد. در مقابل، ملت‌های غنی با بی‌میلی تمام فقط ۰/۳۵ درصد از تولید ناخالص ملی خود را به صورت کمک رسمی به ۱/۲ میلیارد نفر که در فقر مطلق در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند، می‌پردازند. در حالیکه در مقابل ۲۰-۱۵ درصد تولید ناخالص ملی خود را در بودجه‌هایشان برای تأمین اجتماعی ۱۰۰ میلیون نفر که زیر خط رسمی فقر قرار دارند، تخصیص می‌دهند. اختلاف درآمدی بین ۲۰ درصد بالا و ۲۰ درصد پایین جمعیت جهان در سه دهه گذشته دو برابر شده و در حال حاضر، در سطح ناچور ۱۵۰ به ۱ قرار دارد. خارج از این جهان نامتعادل فقیر و غنی، مفهوم یک جهان و یک سیاره بدون اصلاحات اساسی غیرممکن به نظر می‌رسد. نمی‌توان به امر ایجاد و تقسیم مسوولیت برای حفظ سلامت مردم جهان پرداخت، مگر آنکه توزیع عادلانه سعادت و خوشبختی هم بوجود آید. پایداری جهان بدون عدالت، همیشه یک هدف اغفال‌کننده می‌باشد.

در داخل چنین دورنمای وسیعی است که شش سیاست اصلی و ده نوع دستور اجرا پیشنهاد شده است تا بتوان از مفهوم توسعه پایدار به یک برنامه اجرایی محکم دست یافت.

پیام‌های سیاست‌اصولی

۱) توجه به محیط‌زیست، توجه به یک قصه علمی نیست، بلکه خطر واقعی در حال رشد است.

واقعیات مربوط به فروافت محیط‌زیست به صورت خیلی ساده زجردهنده است و اغراق‌آمیز نیست که افراد عاطفی آن را بیان کنند، بلکه یک پدیده جهانی است که بعضی شواهد در باره آن به شرح زیر وجود دارد:

- در چهل سال گذشته، جمعیت جهان بیش از دو برابر شده و به ۵/۳^(۲) میلیارد نفر رسیده است.

مجدداً در چهل سال آینده جمعیت جهان دو برابر خواهد شد. تحت فشار این افزایش جمعیت است که منابع طبیعی جهان هم در حال تهی شدن است.

- در حدود ۱۰ درصد از ظرفیت خاک‌های سیاره ما زمین‌های حاصلخیز بوده که بر اثر دخالت عمدی و یا بی‌توجهی مردم، تبدیل به کویر یا ضایعات شده‌اند، در حالیکه ۲۵ درصد آن در معرض خطر از بین رفتن قرار گرفته است و هر سال حدود ۸/۵ میلیون هکتار از طریق فرسایش و شور شدن از بین می‌رود. بیش از ۲۰ میلیون هکتار از جنگل‌های حاره‌ای هر سال قطع می‌شوند.

- بیشتر مردم فقیر در سرزمین‌هایی زندگی می‌کنند که از لحاظ اکولوژیکی آسیب‌پذیر می‌باشند. ۸۰ درصد در آمریکای لاتین، ۶۰ درصد در آسیا و ۵۰ درصد در آفریقا.

- در حدود ۱/۳ میلیارد نفر فقط به آب‌های آلوده دسترسی دارند. حدود ۲/۳ میلیارد نفر دسترسی به تسهیلات بهداشتی ندارند. ۱/۵ میلیارد نفر هم برای زندگی روزمره و پختن مواد غذایی به گرمایش به قدر کافی چوب یا انرژی در اختیار ندارند.

- دهه ۱۹۸۰ گرم‌ترین دهه قرن حاضر بوده است و اگر گرایش فعلی انتشار گاز CO₂ و سایر گازهای گلخانه‌ای ادامه یابد، درجه حرارت هوا بیشتر شده و سطح آب دریا بالاتر آمده و به حد خطرناکی می‌رسد که منجر به نتایج و حوادث غیرقابل پیش‌بینی برای گیاهان و جانوران و به طریق اولی، برای اکوسیستم جهانی خواهد شد.

- در اروپا - به غیر از اتحاد جماهیر شوروی سابق - تعداد درختانی که از آلودگی هوا آسیب می‌بینند، ۱۴ برابر بیشتر از آن است که سالانه از جنگل‌های منطقه برداشت می‌کنند. اروپا برای حفاظت از جنگل‌های خود در مقابل باران‌های اسیدی و سایر آلوده‌کننده‌ها در ۲۵ سال آینده نیاز به صرف ۶۰ میلیارد دلار در سال دارد.

- کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، در سال ۱۹۹۰ دارای ۹ میلیارد تن ضایعات جامد از جمله ۳۰۰ میلیون تن ضایعات خطرناک بودند که ۷۰ درصد آن از داخل بدست می‌آمد که می‌تواند سلامتی و ایمنی انسان‌ها را به خطر اندازد.

- محققان آمریکایی و اروپایی اخیراً کشف کرده‌اند که اثر کاهش لایه حفاظتی ازون تنها متوجه جنوب نبوده و در مناطق پرجمعیت نیمکره شمالی نیز اتفاق افتاده است.

- غالباً هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی از بین رفتن محیط‌زیست سنگین بوده و در حساب‌های ملی نشان داده نمی‌شوند. برای مثال، مطالعات اخیر در

آلمان غربی سابق نشان داده است که هزینه‌های اجتماعی صدمات وارده از طریق آلودگی صدای و سایر حمل و نقل برابر با ۲ درصد تولید ناخالص ملی بوده است. در کاستاریکا هزینه استهلاک جنگل‌ها و خاک‌ها و شیلات بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ حدود ۶ درصد کل تولید ناخالص داخلی در آن دوره بوده است. در اندونزی استهلاک جنگل‌ها، خاک‌ها و منابع نفتی در دوره ۸۴-۱۹۷۱ حدود ۹۶ میلیارد دلار بوده است (به قیمت دلار ۱۹۸۹)، که حدود ۹ درصد تولید ناخالص داخلی در آن دوره بوده است.

بدین ترتیب، زیان حاصله از عدم توجه به محیط‌زیست، واقعیتی است که زندگی میلیاردها نفر را در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه تحت تأثیر قرار می‌دهد. خوب است به خاطر بیاوریم که صرفنظر از جنگل‌هایی که در رسانه‌های گروهی در مورد گرم‌شدن کره زمین و از بین رفتن لایه ازون برپاست، واقعات تلخ و جدی در مورد صدمات وارده بر محیط‌زیست وجود دارد که بر زندگی انسان‌ها و کیفیت آن اثرات ناگواری به جای می‌گذارد. باید به یاد داشت که الگوی رشد موجود در جهان از لحاظ ماهیت مناسب نبوده و قابل قبول نیست.

۲) پاسخ اندیشمندان به مسایل محیط‌زیست، آن نیست که رشد اقتصادی فعلی را متوقف کنیم، یا الگوی قبلی رشد را ادامه دهیم، بلکه مدل‌های جدیدی را باید برای توسعه پایدار طراحی کرد.

هیچ انتخابی بین رشد اقتصادی و حمایت از محیط‌زیست وجود ندارد. رشد یک انتخاب نیست، بلکه جنبه امری دارد. مساله این نیست که چه مقدار رشد اقتصادی باید بدست آورد، بلکه مساله این است که چه نوع رشدی را باید انتخاب کرد؟ رشد صفر می‌تواند برای محیط‌زیست عامل تعیین‌کننده باشد، همین طور است رشد سریع. این نرخ رشد نیست که به ما اجازه می‌دهد که اثرش را بر محیط‌زیست اندازه‌گیری کنیم، بلکه ترکیب تولید ناخالص ملی است که خود آمیخته‌ای از تولیدات یا به طریق اولی نوع فرآیند تولیدات است که به تنهایی می‌تواند به ما بگوید که اثرات کامل بر روی محیط‌زیست مثبت است یا منفی.

برای کشورهای در حال توسعه، انتخاب فقر پایدار نیست، بلکه برای چیره شدن بر این فقر رشد لازم است. ادامه وضع موجود فقر، یکی از بزرگترین موانع پایداری فیزیکی (این سیاره و پایداری زندگی

مردم است. مردم فقیر کشورهای فقیر به خاک برای غذا و به رودخانه‌ها برای آب و به جنگل‌ها برای سوخت وابستگی دارند. حتی اگر چه با ناامیدی نیاز به این منابع دارند، ولی فقرا بدون دارایی و درآمد حق انتخاب کمی دارند و به سادگی با بیش از حد استفاده کردن و ضایع کردن محیط‌زیست طبیعی به سلامت و زندگی بچه‌های خود صدمه می‌زنند. در کشورهای در حال توسعه، کیفیت زندگی نیست که در معرض خطر کردن است، بلکه خود زندگی نیز چنین وضعی دارد. رشد اقتصادی جنبه حیاتی داشته و حق انتخاب‌های زیادی را به جوامع فقیر می‌دهد، ولی مدل‌های توسعه باید کمتر انرژی‌طلب و بیشتر سازگار با محیط‌زیست باشند - بیش از آنکه تجارب تاریخی نشان می‌دهد. برای کشورهای صنعتی نیز متوقف کردن رشد یا حتی به صورت جدی کند کردن آن، یک انتخاب شایسته برای حمایت از محیط‌زیست جهانی نیست. آهسته‌تر کردن رشد کشورهای پیشرفته برای یک چیز، خطری برای کشورهای فقیر خواهد بود، در صورتیکه آنها در بازار کشورهای غنی حضور داشته باشند. به عبارت دیگر، رشد مداوم کشورهای صنعتی ضروری است تا تکنولوژی جدید که از لحاظ محیط‌زیست ایمن بوده و صرفه‌جویی از منابع برای انتقال به کشورهای فقیر را در بر داشته باشد، به جریان افتد.

مدل‌های رشد موجود کشورهای صنعتی باید به نحو مؤثر با تأکید بر جایگزین کردن رشد کیفی با رشد کمی تغییر یابد، ولی در این مورد نباید آن را با رشد صفر اشتباه کرد که گفتگویی است بی‌خاصیت و مخرب.

آگاهی فزاینده‌ای وجود دارد که خصوصیات و ماهیت مدل‌های توسعه آینده باید با امروز متفاوت باشد. همچنین، مکتب فکری در این مورد وجود دارد که معتقد است که تغییر زیادی ضروری نیست و بحث‌های جاری مربوط به محیط‌زیست به نحو بسیار زیادی اغراق‌آمیز است. این مکتب فکری در این مورد به مجادله می‌پردازد. به عنوان مثال، می‌گوید که از بدبینانه‌ترین فرضیات، گرم شدن سیاره زمین خساراتی به بار می‌آورد که برابر است با فقط نیمی از رشد تولید ناخالص ملی جهان در نیم قرن آینده. بنابراین، نیاز به غمگین بودن برای نژاد انسان نیست، زیرا رشد جهان جبران آن را خواهد کرد. همین مکتب فکری، همچنین بحث می‌کند که برای مثال، فقط آن چیزی که برای پایداری ضروری است، نرخ منابع مالی است که باید پس‌انداز شود و آن باید بیش از میزان استهلاک سالانه منابع طبیعی، منابع انسان ساخت و سرمایه‌های انسانی باشد. بنابراین، پس‌انداز به قدر

کافی موجود می‌باشد تا جانشین چنین سرمایه‌های بشود. رایج چنین نظریه‌ای، هم سهل و هم ممتنع است. چنین محاسبات اقتصادی اگر گرم شدن کره زمین را به جای خطرناکی بکشاند، مفید نخواهد بود. پس‌اندازهای مالی، کافی برای شرایط پایداری نخواهد بود. اگر بعضی از منابع طبیعی نیاز به زندگی پایدار داشته (مانند آب و اکسیژن) و به طور جدی از بین رفته یا بعضی از استعدادهای ضروری انسان وجود نداشته باشد، پس‌انداز منابع مالی نمی‌تواند به تنهایی قادر به تجدید حیات منابع طبیعی باشد. در حالیکه ما باید توقف و یا کند شدن رشد را به عنوان پاسخی به مسایل زیست محیطی رد کنیم، هم‌زمان باید به مدل‌های جدید توسعه پایدار توجه کنیم.

۳) در مدل‌های جدید توسعه پایدار توجه اصلی به مردم، به عنوان مهمترین عامل، همراه با تکنولوژی بی‌خطر زیست محیطی است. تمام برنامه‌های سرمایه‌گذاری به دنبال راه‌هایی هستند که کمپایی منابع زیست محیطی را در فرآیند تصمیم‌گیری آینده منعکس نمایند.

مدل‌های جدید توسعه پایدار باید حداقل بر اساس چهار اصل راهنمای زیر استوار باشند:

اول: در این نوع مدل‌های توسعه، مردم باید در مرکز توجه قرار گیرند. حفاظت از محیط‌زیست جنبه حیاتی دارد، ولی خود به تنهایی هدف نیست، مانند رشد اقتصادی که در واقع یک وسیله است. هدف اصلی تلاش‌های ما، حفظ زندگی انسان و حق انتخاب اوست. هر معیار زیست محیطی باید در مقابل معیارهایی اندازه‌گیری شود که به افزایش رفاه اکثریت مردم جهان بیفزاید. به عبارت دیگر، باید حق‌گزینش توسعه پایدار انسان‌ها را داشته و شروع به شناخت گونه‌های بنماییم که در اکثر جاهای سیاره خودمان در خطر است که آن هم انسان می‌باشد.

دوم: مدل‌های جدید توسعه باید براساس کاربرد فن‌آوری سازگار با محیط‌زیست باشند. این موضوع، به خصوص در مورد بخش انرژی بسیار مهم است. برای مثال، تأکید بر گاز طبیعی، تکنولوژی پاکیزه زغال، بتزین بدون سرب و تبدیل‌کننده‌های شیمیایی باید بتوانند مواد خروجی خاص را تا ۹۹ درصد کاهش دهند. همچنین، زمینه‌های وسیعی برای کاهش قابل ملاحظه انرژی در مقابل هر واحد تولید وجود دارد. برای مثال، مصرف انرژی به کیلوگرم در مقیاس ۱۰۰

دلار از تولید ناخالص ملی برابر است با ۱۵ در ژاپن، ۲۹ در آلمان، ۳۸ در ایالات متحده و ۵۴ در کانادا. اگر تمام کشورهای صنعتی کارایی مصرف انرژی خود را به حد ژاپن برسانند، مصرف کل انرژی جهان به حدود ۲۳۴۳ میلیارد کیلوگرم کاهش خواهد یافت که برابر است با ۳۶ درصد کل انرژی مصرفی جهان. این موضوع در مورد کشورهای جهان سوم نیز صادق است. در مقابل هر ۱۰۰ دلار تولید ناخالص ملی، مصرف انرژی در چین ۱۶۱، در موزامبیک ۱۲۰، در ونزوئلا ۱۷۶، در مصر ۱۰۶ در مقایسه با ۱۵ در ژاپن است. تکنولوژی‌های جدید و الگوهای جدید تولید می‌توانند به نحو بسیار مؤثری انرژی مصرفی در هر واحد تولید را کاهش داده و صدمات وارده به محیط‌زیست و انتشار آلودگی در هر واحد انرژی مصرفی را کم کنند.

سوم: ما باید با انگیزه‌های بسیار قوی، ارزش درست محیط‌زیست را در تمام فرآیندهای تصمیم‌گیری منعکس سازیم. در سرمایه‌گذاری‌های بازار و بخش خصوصی اغلب محیط‌زیست را به عنوان یکی از منابع آزاد (مجانی) در نظر می‌گیرند و ارزش کمیابی این منبع به ندرت در تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری منعکس می‌شود. تنها راه مؤثر که مشخص‌کننده ارزش محیط‌زیست می‌باشد، همانا قیمت‌گذاری درست بر روی منابع محیط‌زیست، به خصوص انرژی و وادار کردن آلوده‌کننده‌ها به پرداخت جریمه برای صدمه‌ای (غیراقتصادی خارجی) است که به جامعه وارد می‌کند. اینکار، بدین ترتیب در سطح جهانی قابل عمل است. نشر تعرفه‌های ملی قابل فروش برای گاز کربنیک متصاعده در سطح ملی تعیین شده است. این موضوع در بحث‌های بعد خواهد آمد. هر مکانیسمی که انتخاب شود، نکته مهم آن است که پایداری توسعه به طور مطمئن به دست نخواهد آمد، مگر آنکه منابع محیط‌زیست در آینده به نحو مطلوبی قیمت‌گذاری شوند.

چهارم: مدل‌های توسعه پایدار باید جنبه مشارکتی داشته باشند و وضعیت جامعه نیز در آنها لحاظ شده باشد. آنها باید برای همه بخش‌های جامعه مدنی تجهیز شوند، چون همه آنها دارای بعضی چیزهای با ارزش هستند که می‌توانند کمک‌رسان باشند.

آنها باید اطمینان بدهند که جوامع محلی بر روی منابع طبیعی خودشان کنترل دارند و از استعدادهای و تجارب محلی و سنت‌ها برای مدیریت پایدار آب، زمین، خاک، جنگل، مرتع، شیلات و حیات وحش استفاده می‌شود. هم چنین، باید مدل‌های ملی توسعه پایدار را باور داشته باشند و به آن کمک کنند، والا اگر چنین باوری وجود نداشته باشد، مدل‌هایی که جنبه تئوریک داشته باشند، کارساز نخواهند بود.

۴) مفهوم پایداری، سوالات عمیقی را درباره خصوصیات و چگونگی توزیع آینده رشد جهانی مطرح می‌کند.

اغلب این سوال مطرح می‌شود که آیا مدل‌ها و دارایی‌های فیزیکی کشورهای ثروتمند می‌تواند در تمام جهان به کار برده شود؟ و آیا سیاره ما ظرفیت تحمل چنین باری را دارد؟ قطعاً پاسخ این سوال منفی است. در شرایط فعلی، شمال به سخنی یک پنجم جمعیت جهان را دارد، در حالیکه ۷۰ درصد انرژی جهان، ۷۵ درصد فلزات، ۸۵ درصد چوب و ۶۰ درصد مواد غذایی از آن اوست. اگر جنوب هم بخواهد همین استاندارد را داشته باشد، باید ۱۰ برابر مقدار فعلی سوخت‌های فسیلی و تقریباً ۲۰۰ برابر دارایی معدنی را نیز در اختیار داشته باشد. با توجه به دو برابر شدن جمعیت جهان در چهل سال آینده، این نیازها دو برابر می‌شوند. بنابراین، به وضوح عدم امکان رسیدن به چنین وضعی و ادامه استفاده از مدل‌های مصرف مواد در سراسر جهان آشکار می‌شود. پس خصوصیات مدل‌های رشد باید تغییر کند.

این تغییرات می‌تواند فقط برای کشورهای در حال توسعه مطرح شود، در حالیکه کشورهای شمالی فشار خود را برای استفاده از مواد همچنان مانند گذشته وارد می‌آورند. جهان آن چنان کوچک شده که به صورت دهکده جهانی در آمده است که آشکارا این موضوع غیرواقعی به نظر می‌رسد. دوگانگی مدل‌های توسعه نمی‌تواند مدت طولانی دوام بیاورد. یک مدل برای شمال ثروتمند و کاملاً مدل دیگری برای جنوب فقیر، این مدل‌های توسعه در تمام جهان باید تغییر یابد.

بیش از این چه می‌تواند باشد و توزیع فعلی مصرف جهان و ثروت فعلی جهان باید تغییرات اساسی پیدا کند. شمال نباید همیشه مالک ۸۵ درصد درآمد جهان باشد و الگوی مصرف مواد آنها نمی‌تواند برای تمام جمعیت جهان پیاده شود. تفاوت درآمد ۲۰ درصد از ثروتمندترین و ۲۰ درصد از فقیرترین جمعیت جهان در حال حاضر به ۱۵۰ برابر می‌رسد، در حالیکه در سه دهه اخیر این اختلاف دو برابر شده بود. ظرفیت محدود فیزیکی سیاره ما این سوال را در مورد الگوهای زندگی ثروتمندان و الگوی مصرف ساده یا کمتر انرژی طلب تمام جهان و توزیع مجدد فرصت‌های آینده مطرح می‌کند.

۵) بین اولویت‌های زیست محیطی کشورهای پیشرفته و در حال توسعه تفاوت‌های بصران آمیزی وجود دارد.

اگر قرار باشد که پلی از تفاهم بین شمال و جنوب بوجود آید، اولویت‌های زیست‌محیطی در مراحل مختلف توسعه خیلی متفاوت است و ما باید به این اولویت‌ها تن در دهیم. کشورهای پیشرفته، در حال حاضر، گرفتار گرم شدن کره زمین، از بین رفتن لایه اوزون و مواجه بودن با ضایعات شیمیایی می‌باشند. اما کشورهای در حال توسعه درگیر با مسایل بسیار اولیای برای زندگی انسان - مانند آب و خاک - هستند. آب‌های آلوده، زندگی ۱/۳ میلیارد نفر از مردم را در کشورهای در حال توسعه مواجه با خطر نموده که دسترسی به آب آشامیدنی سالم ندارند. فرسایش خاک، زندگی ۱۳۵ میلیون نفر را در سال ۱۹۸۴ مواجه با خطر بیابان‌زایی نموده بود، در حالی که این رقم در سال ۱۹۷۷ حدود ۵۷ میلیون نفر بوده است. بدین ترتیب، در پایین‌ترین رده درآمدی، فقر بزرگترین دشمن محیط‌زیست بوده و جوامع ثروتمند با مصرف خود نعمت را از این جماعت دریغ داشته‌اند.

بدبختانه، فوریت‌های پسر سر و صدای زیست‌محیطی مانند گرم شدن زمین، تمام توجه را به خود معطوف داشته است، بیش از آنکه فوریت‌های زیست‌محیطی زندگی بی‌سروصدای تعداد کثیری از جمعیت جهان را که در معرض خطر و ضایع شدن است، مورد توجه قرار دهد. برای مثال، ۷۵۰ میلیون نفر از کودکان از بیماری اسهال رنج می‌برند و سالانه ۴ میلیون نفر از آنها می‌میرند. تعداد ۵۰۰ میلیون نفر از تراخم و ۲۰۰ میلیون نفر از بیماری‌های روانی و ۸۰۰ میلیون نفر از کرم روده رنج می‌برند، در حالیکه با آب آشامیدنی سالم و بهداشتی و آموزش بهداشت، می‌توان این گونه مسایل زیست‌محیطی را برطرف کرد و تعداد کثیری از انسان‌ها را از این ناراحتی‌ها نجات داد. مطمئناً این مطالب به مراتب مهمتر از ادعایی است که در اجلاس زمین با سروصدای زاید به نام فوریت‌های زیست‌محیطی مطرح خواهد شد.

باید استانداردهای زیست‌محیطی برای پروژه‌ها و برنامه‌های کشورهای در حال توسعه و پیشرفته که کاملاً با یکدیگر متفاوت هستند، مورد شناسایی قرار گیرند. طبعاً ملل فقیر آینده خود را به مراتب کم اهمیت‌تر از ملل غنی در نظر می‌گیرند، زیرا آنها با مسایل روزمره زندگی و کمبود منابع مواجه می‌باشند. همچنین، ملل فقیر در مقایسه با کشورهای صنعتی، هنوز از مقداری از فضاهای زیستی خودشان استفاده نکرده‌اند. آنها نمی‌توانند و نیاز ندارند که استانداردهای زیست‌محیطی بیتزبورگ و لانتکسایر را در مرحله فعلی توسعه خود بکار ببرند. آنها ممکن است تمام تکنولوژی‌هایی را که از لحاظ

زیست‌محیطی ایمن هستند، انتخاب کنند. جستجو برای استانداردهای مشابه زیست‌محیطی برای تمام کشورها ایجاد سوءتفاهم نموده و فقط می‌تواند به سوی تضادهای غیرضروری کشیده شود.

۶) مدل‌های توسعه پایدار باید از تفاوت‌های غلط بین مسایل زیست محیطی ملی و جهانی اجتناب ورزند.

اغلب چنین تفاوت‌هایی بوجود می‌آید. در واقع، از طریق تسهیلات زیست‌محیطی جهانی (GEF) عملیات جاری مورد حفاظت قرار گرفته و مفهوم آن این است که فقط با مسایل گرم شدن کره زمین، انهدام تنوع بیولوژیکی، آلودگی آب‌های بین‌المللی و از بین رفتن لایه اوزون سرگرم می‌شوند.

هر مساله زیست‌محیطی جهانی، نتیجه اقداماتی است که در سطح ملی انجام شده است. به تنهایی نمی‌توان با آلودگی‌ها مبارزه کرد، بدون آنکه ریشه‌های ملی آن را کشف و با آنها عمیقاً برخورد کرد. مهم است به خاطر بسپاریم که ارتباط بین مسایل ملی و بین‌المللی زیست‌محیطی دلیل دیگری دارد. این امر واقعیت دارد که بیشتر آلودگی‌های جهان از مصرف بیش از حد ثروتمندان به وجود آمده‌اند، ولی این نکته هم حقیقت دارد که فقر جهانی یکی از عوامل تهدید کننده محیط‌زیست جهان می‌باشد. اگر سیاست‌های توسعه آن چنان نباشد که بر فقر چیره شود، مردم فقیر به عادت خود برای قطع درختان و از بین بردن بیش از حد منابع طبیعی برای زنده ماندن ادامه خواهند داد. نتایج از بین رفتن ذخایر اکسیژن جهان، سرزمین‌های فقیر را در بر نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، نتایج حاصله از فقر نمی‌تواند فقط در داخل مرزها محدود شود، بلکه این آلودگی‌ها بدون گذرنامه به همه سرزمین‌ها مهاجرت کرده و یکباره جهان را آلوده می‌کنند، آنهایی که می‌خواهند با آلودگی‌ها مبارزه کنند، به طریق اولی باید با فقر جهانی مبارزه کنند. محیط‌زیست را در سطح جهان نمی‌توان ایمن نمود، مگر آنکه به طور مداوم در سطح ملی با آن مبارزه شود.

ادامه دارد

زیرنویس‌ها

- ۱) گزارش کامل سمپوزیم لاهه، جز و اسناد اجلاس زمین منتشر شد که به وسیله دو نفر مؤلف خلاصه شد و به طریق اولی با استفاده از گزارش سنترالینکاسی ساچس و خلاصه‌ای از نظریات هر یک از شرکت کنندگان می‌باشد.
- ۲) در حال حاضر، جمعیت جهان از مرز ۶ میلیارد نفر گذشته است.